

اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان

مرکز تعلیمی افغانستان

مدیریت نصاب

عقاید
و
فقه

برای صنف ششم


لا إله إلا الله محمد رسول الله

عقاید

برای صنف ششم

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمُ

رَبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا

قال صلى الله عليه وسلم :

فرموده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

رَضِيْتُ

راضی هستم

بِاللهِ رَبًّا وَّ

که الله پروردگار ما است و

بِالْإِسْلَامِ دِيْنًا وَّ

اسلام دین ما است و

بِمُحَمَّدٍ نَّبِيًّا وَّرَسُوْلًا

محمد صلی الله علیه وسلم نبی و رسول ما است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله الكريم
يرفع الله الذين امنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات
جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

ترجمه: خداوند(ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما وکسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است .

ازفحوای آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه برجسته وبالاتر از علم ودانش وجود ندارد. اهمیت تعلیم وتربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی (اقرا باسم ربک الذی خلق) میباشد

بهمین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی، اقتصاد، سیاست، عبادات، اخلاقیات، وحقوق بشری درلابلای تعلیم وتربیه قرآنی موضوعاتیست که در راس همه مسائل قرار میگیرد.

ما ربروان راه وحدانیت در دشوار ترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعدخواهیم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی درمقابل تصمیم واراده مقدس وخلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست. تمام اعمال وحشیانه و غیر انسانی کمونیزم بی هدف ازقبیل قتل عام، زنده به گورکردن چور وچپاول به آتش کشیدن مزارع وخانه ها تخریب وانهدام مساجد شریف مدارس واماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیزما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیل تصمیم گیریهای ماست وبس.

ملت مسلمان افغانستان که متمسکین حبل المتین و متعهدین کلام ربانیست دریای خشم انزجارشان .

هنوزهم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب‌العزت که ارشاد فرموده (وجاهدوفی الله‌حق‌جهاده آیه ۷۸ سوره حج) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ج) طوریکه شایسته اوست. جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم ومشعل فروزان دانش اسلامی را در مسلمه جهاد علمی و مسلحانه تقویه نمانیم.

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دونوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبلی مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلو گیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین ومهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غرّای محمدی و مذهب مهذب حنفی مغایرت نداشته و مورد قبول تمام اقشار مجاهد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد.

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد تائید همه رهبران محترم قرار گرفت.

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریسی و نظارات، مدیریت پلان، و ارتباط خارجی، مدیریت اجرئیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، و مدیریت سواد آموزی) میباشد.

منسوبین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهدکه مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت

بی شائبه مینماید

بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی مضامین مختلفه به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلفه دو اتحاد اسلامی را که قبلا طرف استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرا با در نظر داشت دشواری قید زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.

لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت تا تمام کتب مضامین مختلفه درسی تنظیم های جهادی را که از طریق نصابهای تعلیمی مختلفه طبع شده بود مقایسه نمود. مطالب وعناوینی را که از نقطه نظر سطح دانش فهم شاگران و شرایط جهادی از نگاه تعلیم وتربیه سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرارداد.

السلام مع الاکرام

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با دو نظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و در عین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضأی خداوند (ج) می باشد .

((وَمِنَ اللهِ التَّوْفِيقْ))

ضرورت به پیغمبر

آن شخص که از طرف خداوند جل جلاله برای رهنمائی بشر فرستاده شده باشد پیغمبر گفته میشود. بشر برای پیغمبر احتیاج زیاد دارد.

برای اثبات مدعائی مافوق دلایل ذیل ذکر میشود:

۱- ثابت و مبرهن است که تمام موجودات یک خالق و مربی دارد، خالق و مربی ایشان الله جل جلاله است.

بشر برای برابر ساختن امور زندگانی و دفع کردن شر و فساد برای یک قانون ضرورت دارد تا در حدود آن طلب خیر و دفع فساد نماید بعضی امور طوری میباشد که بواسطهٔ عقل انسان درک شده نمیتواند مانند روز قیامت، وزن اعمال، حساب، جنت، دوزخ و غیره.

پس ضروری است که از جانب الله (ج)، یک قانون

فرستاده شود تا مردم خیر خود را مطابق آن طلب نمایند.

قانون خدا (ج) که از طرف کدام شخص برای مردم بیان می شود آن

شخص را پیغمبر می گوید برای اثبات پیغمبری از طرف خداوند (ج)

برایش دلائل واقعی داده شده میباشد که آن را معجزه می

گویند. غرض وضاحت مطلب فوق گفته می توانیم

طیاره، موتر و بعضی اشیای دیگر که از طرف مردم

ساخته شده است اگر طریقه استعمال آنها از طرف مخترع

آن تعلیم داده نشود دیگر اشخاص طریقه استعمال آن را نمی

دانند. اگر بدون تعلیم استعمال شود ممکن به نقصان کلان

منفی گردد.

دنیا و تمام موجودات دنیا را الله (ج) پیدا نموده

است اگر از طرف خداوند (ج) امور خیر و شر آنها برای مردم

تعلیم داده نشود و بدون تعلیم کارها انجام شود به هلاکت رو

برو خواهد گردید پس از روی لطف و مهربانی الله (ج) قانون

خیر و بهبود دنیا و آخرت را بواسطه پیغمبر برای مردم ارسال

فرمود تا مردم خیر خود را مطابق قانون طلب نمایند واز هلاکت

نجات یابند .

۲ - اگر از طرف الله (ج) برای مردم پیغمبر فرستاده نمی شد

و پیغمبر راه خیر و شر را برای شان بیان نمی نمود مردم سرکش

و گنهگار در روز قیامت در وقت حساب اعمال شان در حضور

خداوند ج عذر و بهانه جوئی می کردند و میگفتند ای الله (ج) ما موجب

رضا و قهر شما را نمی شناختیم برای ما قانون و پیغمبر ارسال می

نمودی راه رضا و قهر خود را برای مایان بیان می فرمودی ما هیچ

وقت از آن قانون مخالفت نمیکردیم بلکه تام اطاعت می نمودیم .

برای اینکه این چنین اشخاص را در روز قیامت عذر و بهانه

جوئی نباشد و بصورت تام ملزم شود قانون را بواسطهٔ پیغمبر برای مردم ارسال نمود از قرآن کریم هم این مطلب معلوم می شود .

(رُسُلاً مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ط وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيماً) .

تمرین

۱- برای فرستادن پیغمبر چه ضرورت است؟ واضح دارید .

۲- پیغمبر را تعریف نمائید .

۳- برای اثبات ضرورت پیغمبر دلیل که برایتان تدریس شده ذکر نمائید

۴- دلیل دوهم برای اثبات ضرورت پیغمبر که در کتاب شما ذکر شده واضح دارید

انبیاء(ع) اولوالعزم

الآیه : (فاصبر کما صبر اولوالعزم من الرسل ط.)

ترجمه : صبرکن (ای محمد(ص)) مانند که صبر کرده صاحبان عزم از رسولان .

به نزد اکثر مفسرین تمام انبیاء(ع) که تعداد آنها بصورت واقعی معلوم نیست لاکن به تعداد یکصد و بیست و چهار هزار کم و بیش گفته شده است صاحبان عزم استند زیرا که وظیفهٔ نبوت یک وظیفهٔ سنگین و مشکل است انجام دادن آن از قدرت هر شخص پوره نیست الله تبارک و تعالی برای اجرای این وظیفهٔ سنگین اشخاص را مختار نموده است که تمام مشکلات این وظیفهٔ مقدس را بکمال افتخار و اخلاص بالای خود قبول کرده و این وظیفهٔ مشکل را بانجام می رساند .

از جملهٔ تمام انبیاء(ع) نام های (۲۵) بیست و پنج نفر آنها

در قرآن کریم ذکر شده،
که عبارت است از:

۱- حضرت آدم علیه السلام

۲- حضرت ادریس " "

۳- حضرت نوح " "

۴- حضرت هود " "

۵- حضرت صالح " "

۶- حضرت ابراهیم " "

۷- حضرت لوط " "

۸- حضرت اسماعیل " "

۹- حضرت اسحٰق " "

۱۰- حضرت یعقوب " "

۱۱- حضرت یوسف " "

۱۲- حضرت شعیب " "

۱۳ - حضرت ایوب علیہ السلام

۱۴- حضرت ذوالکفل " "

۱۵- حضرت موسیٰ " "

۱۶ - حضرت ھارون " "

۱۷- حضرت داؤد " "

۱۸- حضرت سلیمان " "

۱۹- حضرت الیاس " "

۲۰ - حضرت الیسع " "

۲۱ - حضرت یونس " "

۲۲- حضرت ذکریا " "

۲۳- حضرت یحییٰ " "

۲۴ - حضرت عیسیٰ " "

۲۵- حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم

بنفس رسالت تمام انبیاء(ع) بدون تعیین و تعداد ایمان آوردن یک امر لازمی وضروری است اگرچه درجه ومرتبهٔ بعضی انبیاء(ع) بالای بعضی از آنها بلند می باشد.

بعضی علماء انبیائی(ع) صاحبان عزم را شش (۶) نفر معرفی کرده است که نام های شان قرار ذیل است.

۱- حضرت آدم علیه السلام

۲- حضرت نوح علیه السلام

۳- حضرت ابراهیم علیه السلام

۴- حضرت موسیٰ علیه السلام

۵- حضرت عیسیٰ علیه السلام

۶- حضرت محمد مصطفیٰ صلی الله علیه وسلم.

به نظر بعضی علماء انبیائی(ع) صاحبان عزم پنج (۵) نفر استند حضرت آدم علیه السلام را ازجملهٔ انبیائی(ع) صاحبان عزم نمی شمارند.

و متباقی پنج نفر را از جملهٔ شش نفر انبیای(ع) ذکره شده انبیای صاحبان عزم میدانند .

تمرین

۱- تعداد تمام انبیا(ع) چند است واضح دارید ؟

۲- انبیای(ع) اولوالعزم کدام انبیا استند ؟

۳- در قرآن کریم نامهای چند پیغمبر(ع) ذکر شده واضح دارید؟

۴- ایمان بر انبیا(ع) یکسان است و یا تفرقه دارد ؟

انبیا(ع) معصوم اند

انبیا(ع) معصوم اند زیرا که برای انبیاء(ع) دو حالت می باشد :

۱- حالت زندگانی انبیا(ع) پیش از ظاهر شدن منصب رسالت ونبوت .

۲- حالت زندگانی انبیا(ع) بعد از ظهور وثبوت منصب رسالت ونبوت و انبیا(ع) در هر دو حالت معصوم اند . هم از گناه کبیره وهم

از گناه صغیره .

زیرا به فرض محال اگر نبی یا رسول معصوم نباشد ، فسق ، گناه صغیره . گفتن دروغ از او صادر شود در دعویٰ نبوت او شبهه پیدا میشود . ظاهر و ثابت است هر شخصی که به گناه کردن و دروغ گفتن شناخته شود طبعا و عادتاً هر کلام او حتیٰ کلام راست او احتمال دروغ را پیدا میکند نظر به قول نبی علیه الصلاة و السلام : (من عرف بالکذب قصد قدیکون کذبا .)

ترجمه : کسیکه به دروغ شناخته شود پس راست او هم دروغ است .

درصورتیکه نبی پیش از ظهور نبوت معصوم نباشد گناه ، فسق و دروغ از او صادره شده باشد وقتی که نبی شود و وحی برایش نازل شود و دعویٰ نبوت را بکند هیچ شخص بروی باور نمیکند زیرا مردم گمان خواهد کرد که این دعویٰ رسالت او مانند کلام های سابق او دروغ باشد پس لازمی و ضروری است که پیغمبر درمابین مردم

آن شخص باشد که در بین تمام مردم مقبول و قابل اعتماد باشد
تا پیروی وی کرده شود. معصومیت نبی هم باید از گناه کلان باشد و هم
از گناه خورد. زیرا اگر صدور گناه کبیره تحقق یابد احتمال کفر راهم پیدا
میکند و اگر گناه صغیره متحقق شود احتمال صدور گناه کبیره را پیدا
می کند بلکه گناه صغیره باقصد و دوام گناه کبیره میگردد پس لازم
است که انبیاء(ع) معصوم باشد. هم قبل از نبوت و هم بعد از نبوت
و هم معصوم باشد از گناه کبیره و هم از گناه صغیره

تمرین

۱ - انبیاء(ع) چرا معصوم اند.

۲ - انبیاء(ع) از گناه کبیره معصوم اند یا از گناه صغیره و یا چطور.

۳ - معصومیت انبیاء(ع) بعد البعثت است و یا قبل البعثت و یا چطور.

دلائل اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم

الله تبارک وتعالی به اساس علم، حکمت و قدرت خود برای اثبات پیغمبری هر پیغمبر دلایل را عطا فرموده است تا اشخاصیکه دل های شان از عناد، غرور، تکبر و فساد خالی وپاک باشد . به اساس این دلایل بدانند که این شخص پیغمبر است مخالفین وعنادکننده گان از مقابلهٔ آن عاجز بمانند . در دل کدام شخص که فساد وعناد جای گرفته باشد تعلیم راه حق بر او کدام تاثیر نمی بخشد بلکه حق برایش باطل وناموزون معلوم می شود .

برای اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم دلایل زیاد وجود دارد که بعضی از آن ها معجزات محمد صلی الله علیه وسلم است و در اینجا یک معجزه طور نمونه ذکر می شود .

قرآن کریم :- قرآن کریم یکی از معجزه های حضرت محمد صلی الله علیه وسلم است که تا روز قیامت اعجاز او باقی و هیچ کس نمیتواند

که به اندازهٔ کوچکترین سورهٔ او یک سوره را بسازد که با قرآن کریم در فصاحت ، بلاغت و اخبار بالغیب مشابهت داشته باشد . تمام علمای دنیا از معارضه و مقابلهٔ قرآن کریم عاجز استند قراریکه از این آیهٔ مبارک معلوم می شود .

وَ اِنْ كُنْتُمْ فِىْ رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّنْ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا شُهَدَآءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ○ .

ترجمه : اگر شما در شک باشید از اینکه ما بر بندهٔ خود محمد صلی الله علیه وسلم نازل کردیم کتاب را پس بیارید یک سورهٔ کوچک را و بخواهید معاونین خود را غیر از خدا اگر راست باشید (در کلام خود) .

از این آیه مبارکه ثابت می شود که محمد صلی الله علیه وسلم پیغمبر و قرآن کریم معجزهٔ وی میباشد .

۲ ـ دلیل دوهم برای اثبات نبوت محمد صلی الله علیه وسلم که در این کتاب

ذکر میشود اخبار انبیای سابق است که در باره نبوت محمد صلی الله علیه وسلم ذکر شده است .

انبیای سابق این اخبار را از کتاب های بیان میکردند که از جانب خدا ج برای شان داده شده بودند مثل تورات و انجیل که دربارهٔ رسالت اوصاف و قیافه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بیانات خوب داشت و علمای آن کتب محمد صلی الله علیه وسلم را به صفت پیغمبر خوب می شناختند قرآن کریم بر آن شاهد است .

وَ اِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي اِسْرَائِيلَ اِنِّيْ رَسُوْلُ اللهِ اِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُوْلٍ يَأْتِيْ مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ اَحْمَدُ ط

ترجمه : یاد کن ای محمد (ص) وقتی را که گفت عیسی بچه مریم ای اولاد اسرائیل ما برایتان رسول خدا استم در حالیکه تصدیق کنندهٔ آنچه استم که پیش من

است که عبارت از تورات است و بشارت دهنده استم به پیغمبری که بعدازمن می آیدکه‌نام او احمد است :

اعجاز قرآن‌کریم واخبار فوق ازجمله دلایل مهم اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم می باشد .

تمرین

۱- چرا برای پیغمبر دلیل اثبات پیغمبری داده شده است ؟

۲- برای اثبات نبوت محمد صلی الله علیه وسلم یک معجزهٔ آن را ذکر نمائید ؟

۳- یک قول عیسیٰ (ع) را بیان کنید که برای بنی اسرائیل باشد و نبوت محمد صلی الله علیه وسلم از آن ثابت شود .

عمومیت رسالت محمد صلی الله علیه وآله وسلم

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم از جانب خداوند (ج) برای همه مردم به صفت پیغمبری فرستاده شده است به عرب ویاکدام قوم دیگر خصوصیت ندارد. مثلیکه از آیات آتی معلوم میگردد.

۱ - وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيْرًا وَّ نَذِيْرًا وَّ لٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝.

الله تبارک و تعالی برای محمد (ص) می فرماید :

ترجمه : و نه فرستادیم ترا مگر برای مردم بشارت دهنده و ترساننده لاکن اکثر مردم نمیدانند.

۲ - قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيْعًا ط

ترجمه : بگو (ای محمد) ای مردم به تحقیق ما برای همهٔ تان پیغمبر خدا هستم.

۳ - وَاُوْحِيَ اِلَيَّ هٰذَا الْقُرْآنُ لِاُنْذِرَكُمْ بِهٖ وَمَنْ بَلَغَ ط

ترجمه : وحی کرده شده برایم این قرآن که بترسانم به قرآن شما و کسی را که قرآن برایش برسد .

در آیات فوق از (کافة للناس) و (الیکم جمیعاً) صراحتاً معلوم می شود که محمد صلی الله علیه وسلم برای تمام انسانها به صفت پیغمبری فرستاده شده است . همچنین از آیه سوم از (من بلغ) ثابت می شود که محمد صلی الله علیه وسلم برای تمام انسانها و جنیات جهان پیغمبر است زیرا که قرآن در هر کنج و کنار رسیده است پس انسان و جن که در هر جا باشند قرآن کریم برای شان رسیده است و باحکام قرآن مکلف هستند و اثبات رسالت محمد صلی الله علیه وسلم برای جنیات از سورهٔ جن هم معلوم می شود .

تمرین

۱ - رسالت محمد صلی الله علیه وسلم برای تمام مردم است و یا بکدام قوم تخصیص دارد ؟

۲ - دربارهٔ عمومیت رسالت محمد صلی الله علیه وسلم یک آیهٔ کریمه بیان نمائید ؟

ختم سلسلهٔ نبوت بحضرت محمد صلی الله علیه وسلم

در دنیای فانی برای هرشی ابتدا و انتها تعین شده است . ابتداء نبوت بحضرت آدم علیه السلام شروع و بحضرت محمد صلی الله علیه وسلم ختم شده است . برای محمد صلی الله علیه وسلم از طرف خداوند دستور العمل دائمی (قرآن کریم) داده شده است قرآن کریم باتمام واقعاتیکه تا روز قیامت تحقق میابد مطابقت دارد . از هرقسم تغیر ، تبدیل و تحریف محفوظ است . الله (ج) نگهبانی قرآن را به ذمهٔ خود گرفته است که از آیهٔ (اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهُ لَحَافِظُوْنَ ۝) معلوم میگردد .

ترجمه : به تحقیق ما ذکر (قرآن) را نازل کرده ایم و ما نگهبانش می باشیم .

از بیان فوق معلوم می شود که بعد از پیغمبری محمد صلی الله علیه وسلم بفرستادن دیگر پیغمبر هیچ ضرورت نیست و آیهٔ مبارک الیّ صراحتاً به ختم نبوت دلالت می کند .

مَاكَانَ مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِنْ رِّجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَّسُوْلَ اللّٰهِ

وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً ٥

ترجمه : محمد (ص) پدر حقیقی یکی از مردان شما نیست لاکن رسول خدا وخاتم الانبیاء است ، سلسله نبوت باین ختم شده است . و خدا بر هر شی دانا وعالم است.

حدیث شریف : حدثنا انس بن مالک قال قال رسول الله

اِنَّ الرِّسَالَةَ وَالنُّبُوَّةَ قَدْ اِنْقَطَعَتْ فَلَا رَسُولَ بَعْدِیْ وَلَا نَبِیَّ بَعْدِیْ ـ رواه مسلم.

ترجمه : از انس بن مالک (رض) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است : به تحقیق رسالت و نبوت قطع شده بعد از من نه رسول است و نه نبی .

از دلایل فوق ثابت می شود که سلسلهٔ نبوت به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم ختم شده ، دیگر پیغمبر فرستاده نمی شود ، اگر کسی پیدا شود که دعوی پیغمبری را بنماید ـ دروغگوی می باشد .

وحضرت عیسی (ع) که در وقت آخر از آسمان پایان می شود برای مردم شریعت محمدی را تبلیغ وتعلیم می نماید .

تمرین

۱ـ بعد از محمد صلی الله علیه وسلم پیغمبر دیگر فرستاده می شود و یا نه ؟

۲ـ یک آیه مبارکه را ذکر نمائید که بر ختم سلسلهٔ نبوت دلالت کند ؟

فضیلت محمد صلی الله علیه وسلم بر سائر انبیاء

باساس آیهٔ مبارک (تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ)

ترجمه : بعض انبیاء را بر بعض شان فضیلت داده ایم .

بعضی انبیاء بر بعض دیگر شان فضیلت دارند ، در جملهٔ انبیاء محمد مصطفی بر همه انبیاء بهتر حتی از تمام مخلوقات به نزد خدا محبوب تر می باشد .

فضیلت و بهتری محمد صلی الله علیه وسلم از آیهٔ مبارک معلوم می شود .

اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ

وَرَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْناً ط

ترجمه : امروز برای شما دین تانرا مکمل کرده ام و نعمت خود را بالای تان پوره نمودم و دین اسلام را برای تان مختار نمودم .

از اکمال و بهتری دین محمد (ص)، معلوم می شود که مرتبه اش هم بنسبت دیگر انبیا، بلند تر است . از احادیث ذیل نیز فضیلت محمد (ص) بالای انبیاء ثابت می شود .

۱ - حدیث شریف :

(اِنَّ اللّٰهَ فَضَّلَنِیْ عَلَی الْاَنْبِیَاءِ وَ فَضَّلَ اُمَّتِیْ عَلَی الْاُمَمِ)

ترجمه : به تحقیق الله تبارک و تعالی مرا فضیلت داده بر تمام انبیاء و فضیلت داده امت مرا بر سایر اُمم .

۲ - حدیث مسلم شریف است که نبی علیه السلام فرموده است :

اَنَا سَیِّدُ النَّاسِ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ ہ

ترجمه : من در روز قیامت سردار مردم می باشم .

پس انبیاء که از جملهٔ مردم هستند سردار آنها هم می باشد . و این ظاهر فضیلت است .

۳- حدیث ترمذی شریف که نبی علیه السلام فرموده است :

(أَنَا أَكْرَمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى اللهِ وَلَا فَخْرَ)

ترجمه : من مکرم تر اولین و آخرین به نزد خدا هستم و فخر نیست برایم .

محمد صلی الله علیه وسلم از نفس خود چیزی را نمی گوید ، هرچه که می گوید از طرف خدا برایش وحی شده می باشد نظر به آیه مبارک :

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

ترجمه : محمد صلی الله علیه وسلم از نفس خود چیزی را نمی گوید ، نیست کلام محمد (ص) مگر وحی است که برایش وحی کرده می شود .

از بیان فوق به صراحت معلوم می شود که درجه و مرتبه محمد (ص) بالای دیگر انبیاء (ع) فوق و بلند تر می باشد .

- تمرین -

۱ - انبیاء علیهم الصلوة والسلام در مراتب و درجه یک برابر هستند ویا فرق دارند ؟

۲- درمابین انبیاء(ع) درجه و مرتبه کدام پیغمبر(ع) بلند تر است ؟

۳ - یک آیهٔ مبارک را ذکر نمائید که از آن فضیلت محمد(ص) معلوم می گردد ؟

۴ - یک حدیث شریف را در باره فضیلت محمد(ص) بیان کنید ؟

کرامت اولیاء

کرامت : امر خارق العادهٔ که از شخص موافق شریعت غیر مدعی نبوت صادر شود کرامت گفته می شود . درحقیقت کرامت ولی معجزهٔ پیغمبران ولی می باشد زیراکه واقعیت شریعت آنرا ثابت می نماید .

برای اثبات کرامت اولیاء دلائل آتی ذکر می شود :

۱- مضمون حدیث بخاری شریف است که از حضرت انس(رض) روایت

شده است که حضرت اسید ابن حضر و حضرت عباد بن بشر بر
دو با حضرت محمد (ص) درباره کدام حاجت شان سخن می گفتند تا که
یک حصهٔ شب گذشت و خوب تاریک شد از حضور محمد (ص) رخصت شدند
که بخانه های خود بروند ، در دست هر یک شان عصاء بود ، عصائی
یکی برای هر دو روشنی کرد به سبب آن روشنی به راه می رفتند تا که راه
خانه یکی از دیگر جدا شد بعداً برای هر یک عصائی خودش روشنی می کرد تا که به
خانه رسیدند ، روشنی عصاء شان کرامت شان می باشد .

۲- حدیث شریف :

از ابن عمر (رض) روایت شده است که حضرت عمر (رض) یک لشکر را به یکجا ارسال
نمود و یک شخص را بنام ساریة آمر لشکر مقرر نمود ، چندی بعد حضرت
عمر (رض) بر سر منبر خطبه می خواند ناگاه صدا کرد : (یا ساریة الجبل)
بعداً از همان لشکر یک فرستاده شده بحضور حضرت عمر (رض) رسید و عرض
واقعه کرد . گفت یا امیر المؤمنین ما که با دشمن روبرو شدیم شکست

خوردیم ، ناگاه صدائی را شنیدیم (یا ساریة الجبل) بسبب شنیدن آواز (یا ساریة الجبل) بکوه متوجه شدیم خداوند متعال کامیابی را نصیب ما کرد و دشمن شکست خورد .

معلوم شدن اوضاع لشکر بحضرت عمرؓ و شنیدن و فهمیدن لشکر آواز حضرت عمرؓ را از فاصلهٔ که عقلاً درک آن نمی شود برای اثبات کرامت دلیل روشن است .

۱- حدیث : عن انس ان اُسَیْدَ بن حُضَیْرْ و عباد بن بشر تحدثا عند النبیؐ فی حاجة لهما حتی ذهب من اللیل ساعة فی لیلة شدیدة الظلمة ثم خرجا من عند رسول اللهؐ ینقلبان و بید کل واحد منهما عصیة فأضاءت عصا احدهما لهما حتی مشیا فی ضوءها حتی اذا افترقت بهما الطریق اضاءت للاخر عصاه فمشی کل واحد منهما فی ضوء عصاه حتی بلغ اهله . رواه البخاری .

(تمرین)

۱ - کرامت را تعریف نمائید ؟

۲ - کرامت از که صادر می شود ؟

۳ - برای اثبات کرامت یک دلیل را واضح سازید ؟

---

۲ - حدیث : عن ابن عمر (رض) ان عمر (رض) بعث جیشا وامر علیهم رجلا یدعی ساریة . فبینما عمر (رض) یخطب فجعل یصیح (یا ساریة الجبل) فقدم رسول من الجیش فقال یا امیر المؤمنین لقینا عدونا فهزمونا . فاذا بصائح یا ساریة الجبل فاسندنا ظهورنا الی الجبل فهزمهم الله تعالی . رواه البیهقی فی دلائل النبوة .

مراتب صحابهٔ کرام

صحابی کسی را گویند که با حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در حالت ایمان صحبت کرده باشد و باقی عمر خود را به ایمان سپری کرده باشد.

مراتب و درجهٔ صحابهٔ کرام بالای تمام امت دیگر بلند تر می باشد در حدیث شریف ذکر است که اصحابی اگر کسی صحبت کرده باشد آتش دوزخ او را مس نمی کند، از دیدن صحابی این قدر فضیلت حاصل می شود.

(الا تمس النار مسلما رانی او رأ من رأنی)

ترجمه: نمی رسد آتش به مسلمانیکه مرا دیده باشد و یا دیده باشد کسی را که مرا دیده باشد.

(اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم)

ترجمه: بنی کریم صلی الله علیه وسلم فرموده است که اصحاب من مانند ستاره ها هستند (هریکی شان روشنی دین است) به هریکی از ایشان که

اقتداء کردید راه یاب می شوید .

مسلمان باید همه اصحاب نبی کریم صلی الله علیه وسلم را بنامهای خوب و الفاظ خوب ذکر کرده واز بدگفتن خود داری نماید .

اگر کدام شخص در بارهٔ صحابه کرام بدگوئی میکند در مقابلش گفته شود (لعنة الله علی شرکم) . زیرا که نبی علیه السلام فرموده است : (عن ابن عمرؓ قال قال رسول الله ؐ اذا رایتم الذین یسبون اصحابی فقولوا : لعنة الله علی شرکم .)

از حضرت عمرؓ روایت است که نبیؐ فرموده است :

وقتیکه شما دیدید اشخاصیرا که به صحابه من دشنام می گوید پس بگوئید (لعنة الله علی شرکم) .

از جملهٔ اصحاب نبی اکرم صلی الله علیه وسلم ده (۱۰) نفر آن بنام عشرهٔ مبشره یاد می شود که در دنیا برای شان بشارت (مژدهٔ) جنت داده شده است . نامهای شان قرار ذیل هستند :

۱- حضرت ابوبکر (رض)، ۲ - حضرت عمر فاروق (رض)

۳- حضرت عثمان (رض)، ۴ - حضرت علی (رض)

۵- حضرت طلحه (رض)، ۶ - حضرت زبیر (رض)

۷- حضرت سعد بن وقاص (رض)، ۸ - حضرت عبدالرحمن بن عوف (رض)،

۹- حضرت ابوعبیده بن جراح (رض) ۱۰ - حضرت سعید بن زید (رض)

به بعض اصحاب دیگر نبی علیه السلام هم بشارت جنت داده شده است مانند: حضرت خدیجه (رض)، حضرت عایشه (رض)، حضرت جعفر (رض) وغیره.

ده نفر فوق به بشارت جنت شهرت یافته است زیرا که جمعاً دریک حدیث شریف ذکر شده است.

(تمرین)

۱ ـ صحابی تعریف شود .

۲ـ ما باید در باره صحابه کرام چه رقم عقیده داشته باشیم ؟

۳ ـ چند نفر صحابهٔ کرام را در حیات شان بشارت جنت داده شده است ؟

۴ ـ عشرهٔ مبشره کدام صحابهٔ کرام هستند نامهای شان ذکر شود ؟

۵ ـ اگر کدام شخص در بارهٔ صحابه کرام بدگوئی کند مسلمان حاضر چه بکند ؟

معجزه، کرامت، سحر، استدراج

معجزه : آن خارق العاده امر را می گویند که به سبب آن صدق مدعی نبوت ثابت می شود وخصم از مقابله آن عاجز می باشد .

شرایط معجزه :

۱ ـ بودن امر خارق العاده که خصم از مقابله اش عاجز باشد .

۲ـ امر خارق العاده امری باشد که تصدیق پیغمبر را کرده بتواند مانند کلام حیوانات وغیره .

۳ ـ امر خارق العاده شخصاً از طرف مدعی نبوت صادر شود .

۴ ـ امر خارق العاده مطابق دعوی مدعی نبوت باشد .

۵ ـ امر خارق العاده تکذیب مدعی نبوت را نکند مانند کلام حیوانات که مدعی نبوت را کاذب نگوید .

۶ـ امر خارق العاده قبل از دعوی نبوت نباشد .

کرامت : امر خارق العاده را می گوید که از طرف شخص موافق

شریعت که مدعی نبوت نباشد ظاهر شود، مقصود از کرامت الزام خصم نیست بلکه مقصود کرامت تنها تکریم و تشریف می باشد.

فرق بین معجزه و کرامت :

۱- مرام و مقصود در معجزه الزام خصم و در کرامت فقط تکریم می باشد.

۲- ظاهر کردن معجزه امر ضروری و واجب می باشد اما در کرامت پوشاندن بهتر است

۳- کرامت بصورت ناگهانی بدون قصد صادر می شود حتی می شود که وی به صدور کرامت خود هیچ نه فهمد لاکن معجزه بصورت دانستن و قصد کردن پیغمبر به قدرت خداوند ظاهر می شود.

سحر :- یک فنی است که ذریعه تعلیم و تعلم حاصل می شود.

قرآن کریم هم باین موضوع اشاره کرده است :

وَلٰكِنَّ الشَّيٰطِيْنَ كَفَرُوْا يُعَلِّمُوْنَ النَّاسَ السِّحْرَ ۝

باسحر مقابله شده می تواند حتی می شود که یک ساحر سحر دیگر را باطل سازد.

سحر کدام حقایت و واقعیت ندارد بلکه یک چیز تخیلی می باشد ازهمین جهت بقاهم ندارد مثلیکه از آیة مبارک فهمیده می شود .

يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعٰى ط

سحر بمقاصد دنیوی و خواهشات نفسانی بکار انداخته می شود . از بیان فوق فرق سحر با معجزه وکرامت واضح معلوم می شود .

استدراج :- امر خارق العادة را می گویند که از طرف یک شخص فاسق، فاجر و مخالف شریعت صادر شده باشد اگر در تعریف استدراج نظر انداخته شود فرق اش با معجزه ، کرامت و سحر کاملاً معلوم می شود .

(تمرین)

۱ - معجزه تعریف شود .

۲ - اصل مقصود در معجزه چه می باشد ؟

۳ - پیغمبر معجزه را بپوشاند ویا بظاهرکردن آن مؤظف است ؟

۴ - تعریف کرامت ذکر شود .

۵ - معجزه باکرامت چه فرق دارد ؟

۶ - سحر تعریف شود .

۷ - سحر واقعیت دارد ویا نفس تخیل است ؟

۸ - استدراج را تعریف نمائید ؟

ملائک نکیر و منکر

از احادیث ثابت و معلوم می شود که نکیر و منکر دو ملک هستند که برای بنده در قبر حاضر می شود و از بنده می پرسند : رب تو که است ، دین تو چه است و نبی تو که می باشد .

بنده مؤمن واقعی و دوست خدا بتوفیق خداوند بجواب صحیح و درست قادر می شود و میگوید :

ربم من الله (ج)، دینم اسلام و نبیم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می باشد . شکل محمد صلی الله علیه وسلم برایش ظاهر و پرسیده می شود که درباره این شخص چه می گوئی ؟

بندهٔ مؤمن درجواب می گوید : ما شاهدی می دهم که این بنده خدا (ج) و رسول برحق خدا (ج) می باشد . در قبر اول جای دوزخ برایش آشکارا می شود و بعداً جنت . و برایش گفته می شود که الله تبارک و تعالی شما را از دوزخ نجات داده و جنت را نصیب تان کرده است .

به نجات از دوزخ وکامیابی جنت خوشی برایش حاصل می شود.

بندهٔ کافر در جواب سوالهای فوق می گوید نمیدانم. و منافق در جواب می گوید: می گفتم آنچرا دیگران می گفتند.

پس کافر و منافق در قبر از طرف ملک بگرز آهنین بزدن سخت زده می شود. باندازهٔ چیغ و فریادش می برآید که بدون انسانها وجنیات دیگر همه مخلوقات آنرا می شنود.

عذاب قبر

هرکسی که بمیرد در قبرگور شود، حیوانات آن را بخورد، در آتش بسوزد و یا بمرگ دیگر، حصهٔ عذاب قبر برایش می رسد. خلاصه عذاب قبر مختص به قبر نیست و نسبت عذاب که به قبر شده است نظر به اکثریت که اکثر مردم در قبرگور می شود اما درحقیقت این عذاب، عذاب عالم برزخ می باشد.

در بارهٔ عذاب قبر احادیث متعددی ذکر شده است واز مفهوم

یک جزء حدیث که در فوق ذکر شده (زدن به گرز آهن) عذاب قبر ثابت می شود. خلاصه عذاب قبر هست و حق است اگر چه عقول کیفیت و ماهیت آنرا درک کرده نمیتواند.

حدیث: از حضرت ابن عباس رض روایت است که رسول خدا (ص) (ج) بر دو قبر می گذشت و فرمود این هر دو به تکلیف هستند، عذاب اینها به سبب کدام گناه کلان نیست بلکه یکی از آنها از بول خود را نگه نمی کرد و دیگرش نمامی می کرد (سخن یکی را بدیگری می برد). رسول خدا (ص) (ج) یک خمچه تازهٔ را خواست و دو حصه کرد یک، یک حصهٔ آنرا بر هر قبر ماند و گفت تا که این چوب ها خشک نشده باشد امید است که الله تبارک و تعالی عذاب آنها را کم فرماید.

تمرین

۱- نکیر و منکر چه قسم ملائک می باشند ؟

۲- نکیر و منکر در کجا برای بنده حاضر می شوند ؟

۳- نکیر و منکر از بنده در قبر چه می پرسند ؟

۴- در باره محمد صلی الله علیه وسلم که در قبر از مؤمن سوال شود ، مؤمن چه جواب می گوید ؟

۵- اگر کدام شخص در قبر گور نشود . مرغان و یا دیگر حیوانات اورا بخورد عذاب قبر برایش هست و یانه ؟

۶- یک دلیل اثبات عذاب قبر را ذکر کنید ؟

قیامت

ثابت است که بعد از تغیر کلی وهلاکت این دنیای فانی یک روز دیگر آمدنی است . که در آن روز به تمام مردم مکافات و مجازات

اعمال نیک و بدشان داده می شود . این روز بنام روز قیامت یاد می شود ، آمدن روز قیامت در قرآن کریم چند جا ذکر شده ، یک نمونهٔ از آنها قرار آتی ذکر می شود (إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا)

ترجمه : به تحقیق روز قیامت آمدنی است هیچ شک در آن نیست .

از جانب اسرافیل ع[1] در صور دو دفعه نفخه کرده می شود ، به نفخهٔ اول ساز و سامان دنیائی فانی خراب و ارواح تمام ذی روح طوری قبض می شود که یکی برای دیگر وصیت قدری هم کرده نمیتواند و نه بخانهٔ خود برگشته می تواند درهر جای که باشد درهمان جا می میرد .

به نفخهٔ دوم همه مردم از قبرهای خود بحضور خداوند ج می دوند .

عقل هم تقاضا می کند که بغیر ازین دنیای فانی باید یکروز دیگر موجود باشد که در آن روز پرسان مظلوم شود و بظالم جزا عمل اش داده شود .

همراه هر شخص محاسبهٔ اعمال شود تا عدل و انصاف ظاهر گردد . در بدل

نیکی مکافات و در بدل بدی مجازات داده شود.

تمرین

۱- در روز قیامت با مردم چه می شود ؟

۲- یک آیه مبارک برای اثبات روز قیامت ذکر کنید ؟

۳- اسرافیلؑ در صور چند دفعه نفخه می کند ؟

٤- به نفخهٔ اول چه واقع می شود ؟

۵- در صور که بار دوم نفخه شود چه متحقق می شود ؟

---

(۱)- مَا يَنْظُرُوْنَ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُوْنَ فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ تَوْصِيَةً وَّلَآ اِلٰى اَهْلِهِمْ يَرْجِعُوْنَ ۝

وَنُفِخَ فِى الصُّوْرِ فَاِذَا هُمْ مِّنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰى رَبِّهِمْ يَنْسِلُوْنَ ۝

(حشر)

تقاضای حکمت الهی است که هر شخص نتیجهٔ اعمال خود را ببیند . ظالم به جزاء عمل خود برسد و با مظلوم معاونت شود .

باید تمام مردم بعد از مرگ زنده و بحضور خداوند(ج) جمع شوند مانندیکه در قرآن کریم ذکر شده است .

الایه :- قُلْ اِنَّ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ لَمَجْمُوْعُوْنَ اِلٰی مِیْقَاتِ یَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ ۝

ترجمه : الله(ج) به محمد(ص) خطاب می کند : بگو ای محمد(ص) به تحقیق تمام مردم اول و آخر گذشته و آینده بالضرور یک جای در روز معین ومعلوم جمع کرده می شوند .

باید بدانیم که پیدا کردن ، میراندن و باز زنده کردن تمام مردم و یا یک فرد نزد خداوند(ج) یکسان و هیچ فرق ندارد وهم بخداوند(ج) آسان و بی اشکال می باشد مانندیکه از آیه مبارک (مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ اِلَّا

كَنَفْسٍ وَّاحِدَةٍ) معلوم می شود .

ترجمه : به نزد خداوندؒ پیدا کردن و باز زنده کردن شما نیست مگر هست مانند یک نفس زیرا که تمام امور فقط باراده خداؒ تعلق دارد هرچیز را که بهتر ترتیب اراده کند به همان طور می شود مثلیکه از آیه مبارک (اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَّقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ) معلوم می شود .

ترجمه : وقتیکه الله تبارک و تعالی اراده یک چیز را بکند برایش می گوید بشو پس می شود. یعنی اگر یک چیز را اراده کند همان یک می شود و اگر تمام اشیاء را اراده کند تمام آنها طبق اراده اللهؒ می شود .

از دلائل فوق معلوم می شود که الله تعالی تمام بندگان خود را غرض حسابی اعمال شان در روز قیامت جمع می کند با هر شخص حساب می شود و برای هر شخص بنا بر عدالت و رحمت خداوندؒ بدله اعمالش داده می شود .

تمرین

۱- چرا در روز قیامت الله ج مردم را جمع می کند ؟

۲- مردم اولی و آخری جدا جدا جمع می شود و یا یک جای جمع می شود ؟

۳- پیدا کردن یک نفس یا پیدا کردن تمام مخلوق به نزد خداوند ج کدام

تغیر دارد و یا نه ؟

میزان (ترازوی عدالت خداوند ج)

الله تبارک و تعالی اعمال نیک و بد تمام مردم را در روز قیامت اندازه

می کند ، کسیکه وزن اعمال نیکش اضافه شود مستحق جنت و کسیکه وزن

اعمال بدش اضافه شود مستحق دوزخ می گردد .

ان چیز که اندازه اعمال نیک و بد بر آن معلوم می شود میزان نامیده

می شود . این میزان (ترازو) که الله ج اندازه اعمال مردم را بر آن معلوم

می نماید بعلم ظهور وکشف ماکیفیت وکمیت آنرا درک کرده نمی توانیم. برما

فقط لازم است که به میزان بلاکیف خداوند عقیده و باور داشته باشیم.

ثبوت میزان خداوند ج از آیه مبارک (وَنَضَعُ الْمَوَازِيْنَ

الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ) واضح می گردد.

ترجمه: الله تبارک وتعالی فرموده ما در روز قیامت ترازوی عدالت

رامی مانیم و در آیۀ مبارک دیگر فرموده است (فَمَنْ ثَقُلَتْ

مَوَازِيْنُهٗ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ

فَأُولٰئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْا اَنْفُسَهُمْ فِيْ جَهَنَّمَ خَالِدُوْنَ ٥)

ترجمه: کسیکه وزن اعمال او ثقیل (گرنگ) شود پس آنها کامیاب

هستند وکسانیکه وزن اعمال آنها خفیف (سبک) شود پس آنها

آنانی هستند که نفسهای خود را نقصانی کرده درجهنم جاوید می باشند.

تول اعمال مردم به انصاف و عدالت تام از جانب الله ج تحقق می یابد

برای هر شخص بتول اعمالش قناعت داده می شود بالای یک فرد از

افراد هم ظلم نمی شود .

هر شخص معذب می شود باندازه اعمال بد خودش و زیادت عذاب هیچ صورت نمیگیرد . همین است عین عدالت و انصاف و برای اشخاصیکه در بدل اعمال نیک شان یک برده و یا یک بر هفتصد و یا از وهم دو چند عوض داده می شود به عفوه و فضل خداوند تعلق دارد ما هم خواستار عفوه و فضل خداوند متعال می باشیم .

تمرین

۱- میزان برای چه تیار کرده شده است ؟

۲- ما کیفیت میزان خداؑ را می دانیم ویا نه ؟

۳- عقیده ما بر میزان خداوندؐ چه طور باید باشد ؟

۴- دلیل اثبات میزان خداوندؐ ذکر شود ؟

۵- نتیجهٔ تول اعمال چه می شود ؟

پل صراط

آن پلی که بالای دوزخ ساخته بنام پل صراط یاد می شود .

قریب پل صراط یک جای است که او را ظلمت می گوید در روز قیامت که مردم بعد از حشر و جمع جدا شوند در ظلمت داخل می شوند مثلیکه از نامش معلوم می شود ، ظلمت جای است بسیار تاریک ، مؤمنان و منافقین در ظلمت باهمدیگر جدا و یک دیوار در مابین شان حائل می گردد .

برای هر فرد مؤمن در ظلمت نور و روشنائی باندازه اعمال نیک اش داده می شود (نور بعضی با ندازه کوه ، از بعض باندازه درخت خرما وکمترین انوار آنها باندازهٔ انگشت کلان پای می باشد .)

هر فرد از مؤمن بواسطه نور و روشنی خود از ظلمت و پل صراط تیر می شود .

بعضی مثل برق وبعضی مثل باد ،بعضی بدویدن وبعضی به زانو .

خلص تیزی وسستی رفتار وتیرشدن ازظلمت پل صراط باندازهٔ روشنی اعمال تحقق می یابد ، مؤمنین بعد از تیرشدن پل صراط داخل جنت می شوند .

برای کفار ومنافقین قدرت تیرشدن از پل صراط میسر نمی شود در دوزخ می افتند .

- تمرین -

۱ - پل صراط درکجا واقع است ؟

۲ - منافقین ومؤمنین درکجا جدا می شوند ؟

۳ - تیرشدن مؤمنین از پل صراط چه قسم می باشد ؟

۴ - بعد از تیرشدن پل صراط مؤمنین کجا می روند ؟

۵ - کفار از پل صراط تیر شده می توانند ویا خیر ؟

شفاعت

شفاعت درلغت به معنی سفارش است .

ودراصطلاح خواستن . پوره کردن حاجت شخص دیگر را شفاعت

می گوید .

از جانب خداوند متعال برای انبیاء(ع) و بنده های مخلص حق سفارش

داده شده است که در بارهٔ مؤمنین گنهگار شفاعت نمایند .

مضمون حدیث شریف است که نبی کریم(ص) فرموده است .

سه طایفه در روز قیامت شفاعت می کند : ۱- انبیاء(ع) ، ۲- علماء

۳- شهداء .

برای فخرالانبیاء ، محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم حق دو قسم شفاعت

داده شده است .

۱- شفاعت کبری (شفاعت کلان) :- تمام مردم در روز قیامت قبل

از شروع حساب در مشکلات روز حشر گرفتار می شوند باساس مجبوری

سخت حضور پدر کلان خود (آدم ع) مراجعه می نمایند و از او می خواهند

که حضور خداوند عرض نماید که با ما معاملهٔ حساب شروع فرماید.

حضرت آدم ع با نها عذر خود را تقدیم کرده بحضرت نوح ع راجع می

فرمایند.

نوح علیه السلام هم عذر خود را تقدیم می کند. بعداً به ابراهیم ع

و عیسی ع مراجعه می شود آنها هم اعذار خود را تقدیم می نمایند.

در خاتمه بحضور محمد صلی الله علیه وسلم مراجعه می شود، محمد صلی الله علیه وسلم به سجده

می افتد و عذر خود را حضور ذات اقدس خداوند تقدیم می فرمایند،

با مردم حساب را شروع می شود.

چون این شفاعت محمد صلی الله علیه وسلم دربارهٔ تمام مردم می باشد لذا

بنام شفاعت کبری یاد می شود.

۲ـ شفاعت درباره گنهگاران امت خود. الله تبارک و تعالی برای

محمد صلی الله علیه وسلم این عزت و افتخار را نصیب فرموده است که دربارهٔ

گنهگاران امت خود شفاعت نماید .

شلیکه از احادیث معلوم می گردد :

حدیث : عن انس ان النبی ؐ قال شفاعتی لاهل الکبائر من امتی .

ترجمه : از حضرت انس ؓ روایت است که نبی صلی الله علیه وسلم فرموده است : شفاعت ما ثابت است برای اشخاص گنهگار ، گناه کبیره از امت من .

تمرین

۱ - معنی لغوی و اصطلاحی شفاعت را بیان نمائید .؟

۲ - اجازهٔ شفاعت برای کدام اشخاص داده می شود ؟

۳ - شفاعت کبری را واضح سازید .

۴ - یک حدیث شریف را ذکر نمائید که از آن شفاعت محمد صلی الله علیه وسلم دربارهٔ امت گنهگار ثابت شود .

جنت ودوزخ

جنت : ازجملهٔ مخلوقات خداوندع که برای مکافات مردم مطیع وفرمانبردار پیدا کرده شده است.

الله تبارک وتعالی در قرآن کریم این چنین فرموده است :

(وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ)

ترجمه : چالاکی بکنید بمغفرت خداوندتان وجنت که عرضش باندازه آسمانها وزمین است، برای پرهیزگاران تیار کرده شده است.

ازصیغهٔ اعدت معلوم می شود که الله تبارک وتعالی جنت را قبلاً تیار کرده است، از احادیث معلوم می شود که وسایل واسباب خوشی واستراحت برای مؤمنین درجنت تیار کرده شده است که در دنیا از تعقل وتصور بالا تر است مثلیکه از آیه مبارک (لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝)

ترجمه : برای مؤمنین در جنت است هر آن چیزی را که بخواهند و

نزد ما اضافه تر از آن است .

نعمت کلانیکه برای مؤمنین در جنت داده می شود دیدار خداوند(ج) است .

ما آرزو داریم که الله تبارک و تعالی بفضل و مرحمت خود این نعمت بزرگ

(دیدار خود را) نصیب ما بگرداند . آمین یارب العلمین .

دوزخ :- از جملهٔ مخلوقات خداوند(ج) که برای مجازات اشخاص ظالم

سرکش و متجاوز تیار کرده شده است

مثلیکه از آیه مبارک (فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ

وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِيْنَ) ثابت می شود .

ترجمه : پس بترسید از آن آتشیکه هیزم اش مردم و سنگ است

تیار کرده شده است برای کافرین .

راه نجات از آتش دوزخ و کامیابی روز قیامت فقط و فقط

ایمان و تقوی (پرهیزگاری) است .

ما باید بموجودیت ، مخلوقیت و دوام جنت و دوزخ عقیده محکم داشته باشیم طرق (راه‌ها) و اسباب دخول جنت و موجبات نجات دوزخ را درک و عملی نمائیم .

تمرین

۱ - جنت برای کدام اشخاص تیار کرده شده است واضح دارید .

۲ - جنت قبلاً ساخته شده و یا بعداً تیار می شود ؟

۳ - در جنت کدام اشیاء برای جنتیان داده می شود بیان کنید ؟

۴ - دوزخ برای که تیار کرده شده است واضح دارید ؟

۵ - راه نجات از دوزخ چه می باشد بیان کنید ؟

فقه

برای صنف ششم

زکوة :

زکوة در لغت به معنیٰ پاکی میآید در شریعت زکوة عبارت است از دادن یک حصهٔ مال پاک به اشخاص مستحق غرض بجای آوردن قانون الهیٰ .

حکم زکوة :

زکوة دادن در صورت تحقق شرایط فرض است . فرضیت زکوة باآیات قرآنی و احادیث نبوی ثابت است . اعراض کنندگان از دادن زکوة مستحق عذاب دوزخ و منکرین زکوة کافران هستند .

شرایط فرضیت زکوة :

۱ - اسلام : بالای کافر زکوة فرض نیست .

۲ - عقل : بالای دیوانه زکوة لازم نیست .

۳ - بلوغ : بالای صغیر زکوة لازم نیست .

۴ - مالک شدن نصاب :

نصاب آن اندازهٔ مال است که بر مالک آن شرعاً زکوة لازم

میشود . اندازهٔ نصاب بعداً شرح میگردد . برای لزوم ادای زکوة گذشتن سال بر نصاب شرط است اگر در بین سال فایدهٔ از مال حاصل شود با اصل نصاب زکوة آن یکجا لازم میشود .

مالک نصاب اگر پیش از گذشتن سال زکوة بدهد هم جائز است .

نیت زکوة در دادن زکوة یک امر ضروری میباشد . اگر گیرندهٔ زکوة نداند که این مال زکوة است درصورتیکه مالک مال به نیت زکوة داده باشد درست بوده زکوة حساب میشود .

تمرین

۱ - معنی لغوی و شرعی زکوة را شرح نمائید .

۲ - در دادن زکوة نیت زکوة چه حیثیت را دارا میباشد ؟

۳ - شرایط فرضیت زکوة را واضح دارید .

(نصاب زکوة)

برای فرضیت زکوة در پنج چیز نصاب تعین شده است،

۱- **طلا**: برای فرضیت زکوة طلا مالک شدن بیست مثقال طلا شرط گردیده است پس کسیکه از بیست مثقال کمتر مالک شود زکوة آن بالای مالکش فرض نمی شود.

۲- **نقره**: نصاب زکوة نقره (۲۰۰) دوصد درهم شرعی تعین گردیده. که وزن ده درهم شرعی آن هفت مثقال سیر رسد، پس وزن (۲۰۰) درهم شرعی برابر به (۱۴۰) مثقال میشود.

۳- **شتر**: نصاب زکوة شتر پنج شتر چرنده تعین شده است پس اگر از پنج کمتر باشد در آن زکوة لازم نمی شود. وقتی که پنج شتر پوره شود بر مالک آن یک گوسفند زکوة لازم می شود. در ده آن دو گوسفند و در پانزده (۱۵) آن سه (۳) گوسفند و در بیست شتر (چهار گوسفند)، وقتی تعداد شترها به (۲۵) برسد باز یک چوچه شتر که یک سال عمر داشته باشد بر مالک آن لازم میشود

۴ - گاو : برای فرضیت زکوة گاو مالک شدن (۳۰) سی گاوی چرنده شرط شده است. پس کسی که از سی گاو کمتر مالک شود زکوة در آن لازم نمی شود. وقتی که تعداد آنها به سی برسد بر مالک آن لازم میشود تا یک گوساله یکساله زکوة بدهد. این بود نصاب اقل آنها وباقی تفصیل آن در صنف دیگر ذکر خواهد شد.

نصاب زکوة گاومیش مطابق نصاب زکوة گاو میباشد.

۵ - گوسفند : برای فرضیت زکوة چهل گوسفند چرنده تعین شده است وقتی که تا چهل گوسفند پوره نشود زکوة در آن لازم نمی شود واگر چهل گوسفند چرنده پوره شود یک گوسفند متوسط در آن لازم می شود.

تفصیل زیاده تر زکوة گوسفند بعداً ذکر می شود.

نصاب زکوة بز با نصاب زکوة گوسفند یک برابر است. وهیچ تفاوت ندارد.

تمرین

۱- نصاب زکوة طلا چقدر تعین شده است واضح نمائید .

۲- نصاب زکوة نقره چند درهم شرعی بکدام وزن تعین شده است واضح سازید .

۳- نصاب ابتدائی برای فرضیت زکوة شتر چقدر تعین شده است بیان کنید .

۴- برای فرضیت زکوة گاو چند گاو به چه صفت تعین شده است بیان کنید .

۵- نصاب زکوة گوسفند چند گوسفند مقرر گردیده است واضح نمائید .

زکوة طلا

برای فرضیت زکوة طلا به اندازهٔ بیست (۲۰) مثقال طلائ تعین شده است . پس اگر شخصی کمتر از بیست مثقال طلائ مالک شود زکوة آن را بالای مالک اش لازم نمی شود وقتی که به بیست مثقال برسد و یک سال بالای آن بگذرد نیم مثقال طلا زکوة بالای مالک آن لازم میشود . اگر از بیست مثقال اضافه شود زیادت آن تا چهار مثقال معاف است وقتی که مقدار آن به چهار مثقال اضافه شد $\frac{1}{40}$ یک بر چهلم حصهٔ زکوة آن با نیم مثقال زکوة لازم میشود .

اگر یک شخص مالک طلا و نقره شود و هر یکی از اینها نصاب زکوة را پوره نکند هر دوی آن به لحاظ قیمت یکجا شود هر نصاب را که پوره کرد زکوة همان نصاب داده شود . و اگر نصاب هر واحد را پوره می کرد در هر نصاب که مفاد مساکین باشد زکوة همان نصاب را بدهد .

مال تجارت باید در سال یکدفعه قیمت شود و زکوة آن داده شود.

ذکوة نقره

برای وجوب زکوة نقره مالک شدن دوصد درهم که وزن ده درهم آن هفت مثقال باشد تعین شده است اگر کسی از دوصد درهم شرعی کمتر مالک شود زکوة در آن لازم میشود .

وقتی که به دوصد درهم شرعی اضافه از احتیاجات اصلی برسد و سال بالای آن بگذرد بر مالک آن پنج درهم و در یکهزار ۲۵ درهم شرعی زکوة لازم می شود . بعد از آن که به برانداره درهم در ملکیت شخص اضافه می شود به حساب فوق زکوة بر صاحبش لازم میشود .

در نوتها و سائر پولهای مروج مطابق نصاب نقره زکوة لازم میشود .

تمرین

۱- نصاب زکوة نقره چند تعین شده است واضح دارید ؟

۲- نصاب زکوة طلا چقدر تعین شده است بیان کنید ؟

۳- زکوة مال تجارت به چه ترتیب داده شود واضح نمائید ؟

۴- زکوة نوت ها چه قسم لازم میشود تشریح نمائید !

مستحقین زکوة

اشخاصی که مستحق زکوة میباشند قرار ذیل واضح میشود .

۱- فقیر ، ۲ -مسکین ، ۳ - عامل ، ۴ -مکاتب ، ۵- قرضدار گرچه از قرض اضافه تر پول هم داشته باشد که پول اضافهٔ آن نصاب زکوة راپوره نکند ، ٦- در راه خدا(ج) ۷ -مسافری که مال نداشته باشد

- -

نوت ؛

۱ - فقیر کسی است که چیز ادنا داشته باشد . ۲ -مسکین آن شخص است که هیچ چیز نداشته باشد . ۳ - عامل کسی راگویند که ازطرف حکومت اسلامی به گرفتن زکوة مقرر شده باشد . ۴ - مکاتب آن غلام راگویند که بادارش به یک مقدار پول همرائش عقد آزادی بسته کرده باشد وبعد از پرداخت همهٔ پول تعین شده ازطرف بادار آزاد میشود .

۵ - قرض داری که علاوه از قرضداری به اندازه نصاب پول نداشته باشند .

٦ - در راه خدا(ج) : برای هر آنکسی که مشغول خدمت درراه خدا(ج) بود و محتاج باشد مانند جهاد وطلب علم دینی .

اشخاصی که دادن زکوة برای شان جائز نمیباشد قرار آتی بیان میگردد

۱- برای پدر ، پدر کلان ، مادر و مادر کلان خود زکوة دادن جائز نیست.

۲- برای غلام خود زکوة دادن جائز نیست هر قسم غلام که باشد

۳- برای شخص غنی ، اولاد صغیر غنی و غلام غنی زکوة دادن جائز نیست

۴- زکوة دادن زن به شوهر و از شوهر به زن اش جائز نیست .

۵ - برای بنی هاشم زکوة دادن جائز نیست .

اگر به مال زکوة پل و یا مسجد ساخته شود و یا در کفن کدام مرده مصرف شود در زکوة مجرا نمیشود و زکوة برگردن آن باقی میباشد .

انتقال زکوة از یک محل به محل دیگر جواز ندارد . مگر در دو صورت جائز است :

۱ ـ اگر در محل دیگر قارب محتاج زکوة دهنده باشد انتقال زکوة جائز است ؛

۲ ـ از محل نتقال زکوة اهالی محل دیگر ضافتر محتاج باشند .

تمرین

۱ ـ دادن زکوة بکدام اشخاص جایز است واضح دارید .

۲ ـ بکدام اشخاص دادن زکوة جائز نیست .

۳ ـ اگر به مال زکوة مسجد آباد شود در زکوة مجرا میگردد ویانه ؟

۴ ـ انتقال زکوة ازیکجای به جای دیگر جائز است ویانه ؟

صدقۀ فطر
(سرسایه)

بالای هر مسلمان آزاد که مالک نصاب شرعی باشد صدقۀ فطر لازم است
صاحب نصاب (غنی) خورد و صغیر غلام وکنیز خود صدقه
فطر را نیز ادا نماید .

اندازۀ صدقۀ فطر : از هر یک نفر به اندازۀ نیم صاع
گندم که به حساب اوزان افغانستان خورد کم یک چارک و به حساب کیلو
(۲۵۰) گرام کم دو کیلو می شود . از جو ، خرما و کشمش یک صاع
پوره لازم میشود .
اگر در صدقۀ فطر عوض اشیأ مذکور قیمت یکی از آنها داده شود .
هم جائز است .

وقت لزوم صدقۀ فطر : صدقۀ فطر بعد از طلوع آفتاب
(صبح صادق) روز عید فطر لازم می شود ، پس اگر در شب عید فطر

کدام طفل پیدا شود طبق شرایط ذکر شده صدقهٔ فطر آن لازم میشود.

واگر کدام نفر در شب عید فطر فوت شود صدقهٔ فطر آن لازم نیست اداکردن صدقهٔ فطر قبل از اداکردن نماز عید فضلیت دارد واگر پیش از آمدن روز عید فطر صدقهٔ فطر داده شود هم جائز است.

تاخیر کردن صدقهٔ فطر از روز عید فطر گناه دارد وبدون اداکردن از گردن شخص ساقط نمی شود.

تمرین

۱- سرسایه (صدقهٔ فطر) بکدام شخص لازم می شود؟

۲- اندازهٔ شرعی صدقهٔ فطر چقدر است واضح شود؟

۳- صدقهٔ فطر چه وقت لازم میشود بیان کنید؟

۴- دادن قیمت اشیای بیان شده در صدقهٔ فطر جواز دارد یانه؟

(عشر)

دهم حصهٔ حاصلات زمین راکه الله (ج) بالای مالک زمین لازم کرده است عشر میگوید .

عشر در آن حاصلات لازم میشود که مقصود اصلی مالک آن باشد بنا بر آن در کاه و امثال آن عشر لازم نیست .

زمین عشری :

آن زمین است که در وقت فتح آن به دست مسلمانها آمده باشد و یا در وقت فتح صاحب آن زمین اسلام را قبول کرده باشد و یا قبل از فتح مسلمان باشد با این شرط که از آب چشمه ، باران ، دریا و یا آب سیل زمین سیر آب شود. در زمین کاریزی هم عشر لازم میشود در زمینی که بواسطهٔ دولاب و یا امثال آن سیر آب شود مثل واتر پمپ نصف عشر ($\frac{1}{20}$) حصه لازم میشود .

مستحقین عشر :

عشر و یا نصف عشر بآن اشخاص داده میشود که شرعاً مستحقین اخذ زکوة باشند که قبلاً بیان گردیده است .

ادا کردن عشر مانند ادا کردن زکوة فرض است . برای لزوم عشر نصاب شرط نیست چیزیکه اززمین حاصل میشود اگر کم باشد و هم گذشتن سال بالای حاصلات زمین شرط نیست .

[illegible] زیاد و عشر در آن لازم میشود

تمرین

۱- تعریف عشر را واضح بیان دارید .

۲- در کدام زمین عشر لازم میشود (زمین عشری را واضح نمائید)

۳- در چه نوع زمین نصف عشر لازم میشود واضح سازید .

۴- مستحق عشر کدام اشخاص اند بیان کنید .

(حج)

حج در لغت به معنیٰ قصه کردن است و در شریعت حج عبارت است از زیارت کردن بیت الله شریف در وقت مخصوص ، با ادا کردن اعمال مخصوص.

وقت ادا کردن حج :

دو ماه و ده روز است ماه ماه شوال (عید فطر) ماه ذوالقعده (ماه بین دو عید) و ده روز اول از ماه ذوالحجة (عید قربان) .

حج در تمام عمر یکمرتبه بالای آن شخص فرض میشود که شرطهای فرضیت حج در آن متحقق شود .

شرطهای فرضیت حج :

۱- اسلام ، ۲- بلوغ ، ۳- عقل ، ۴- صحت ، ۵- حریت (آزادی) ، ٦ - قدرت به نفقه و وسایل اداکردن حج .

نفقه و وسایل اداکردن حج عبارت از آن چیزهای است که ادا کننده حج از آن مجبور باشد مانند ضروریات خانه و نفقه عیال

وکرایهٔ رفت و آمد حج وغیره .

برای اداکردن حج زن ضروری است که شوهر زن و یا کدام محرم شرعی با او همراه باشد

فرائض حج

در حج سه امور فرض است :

۱- احرام بستن .

۲- ایستاده شدن به عرفات

۳- طواف زیارت خانه کعبهٔ شریفه .

واجبات حج :

۱- پنج چیز در اداکردن حج واجب است .

۱- سعیه کردن در بین صفا و مروه

۲- حاضر شدن در مزدلفه .

۳ - زدن جمره (شیاطین)

۴ - حلق (تراشس کردن موی های سر ویاکوتاکردن آن)

۵ - طواف صدر (طواف رخصت)

بعضی علماء واجبات حج را از پنج اضافتر نشان داده اند لاکن حقیقت این است که واجبات اصلی حج امور ذکرشده پنج گانه است. بعضی علماء که واجبات دیگر را ذکرکرده اند مستقیماً واجبات حج نیست بلکه یکدام رکن ویا شرط ویا یکدام واجب پنجگانهٔ ذکرشده مربوط میباشد فلهذا واجبات حج پنج است.

نقصیکه به ترک شدن کدام واجب در حج پیدا میشود. جبیرهٔ آن بدم میشود مثلیکه درنماز کدام واجب فوت شود جبیرهٔ آن به سجدهٔ سهو میشود هم چنین جبیرهٔ نقص ترک واجب حج بدم می شود.

تمرین

۱ - معنی لغوی و شرعی حج را بیان نمائید .

۲ - وقت اداکردن حج را واضح سازید .

۳ - شرایط فرضیت حج را بیان دارید .

۴ - فرایض حج را واضح بیان کنید .

۵ - واجبات حج چند وکدام است واضح شرح دهید .

۶ - جبیرهٔ ترک شدن واجب حج چه میباشد واضح سازید .

میقاتها (جاهای بستن کردن احرام حج)

برای بسته کردن احرام حج پنج مقام تعین گردیده است .

۱ - ذوالحلیفه برای اهل مدینه .

۲ - ذات عرق برای اهل عراق .

۳ - جحفه برای اهل شام .

۴ - قرن برای اهل نجد.

۵ - یلملم برای اهل یمن.

هر شخص که برای اداء کردن حج به مکهٔ معظمه میرود به هر یکی از میقاتهای مذکور که میگذرد باید بدون احرام از میقات نگذرد. و اگر پیش از رسیدن به میقات احرام بسته شود جائز است. اشخاصیکه از میقات ها بطرف بیت الله شریف سکونت داشته باشند برای احرام حج شان حرم و برای احرام عمرهٔ ایشان حل میقات تعیین شده است.

تمرین

۱ - برای بسته کردن احرام حج چند میقات است بیان کنید.

۲ - بدون بسته کردن احرام حج از میقات گذشتن جائز است و یا خیر؟

۳ - جای بسته کردن احرام حج اهل مکه معظمه را واضح بیان نمائید.

(اقسام حج)

حج بر سه قسم است.

۱- حج مفرد.

۲- حج قران

۳- حج تمتع

حج مفرد: آن حج است که حاجی تنها حج را بدون عُمره ادا نماید

طریقهٔ اداکردن حج مفرد قرار شرح ذیل است.

۱- قبل از بستن احرام وضوء ویا غسل شود وغسل بهتر است.

بعداً لباس احرام (لنگ وچادر) جدید ویا شسته شده را بپوشد

اگر خوشبوی موجود باشد باستعمال نماید وبعداز اداء دورکعت نماز قرارآتی نیت

حج کند (اللهم انی ارید الحج فیسره لی وتقبله منی)

وتلبیه بگوید الفاظ تلبیه این است. لبیک اللهم لبیک لاشریک لک

لبیک ان الحمد والنعمة لک والملک لاشریک لک.

بعد از خوندن الفاظ تلبیه شخص محرم (داخل احرام) شمرده میشود . وکارهای ذیل بروی حرام میگردد :

۱- جماع ، ۲- بدی کاری ، ۳- جنگ وجدل ، ۴- شکارکردن ، ۵ اشاره کردن طرف شکار ، ۶- پوشیدن لباس های دوختگی ، ۷- پوشیدن کلاه وبستن دستار ، ۸- پوشیدن چپن ویا بالاپوش ، ۹- پوشیدن موزه لاکن اگر چپلی پیدا نشود پوشیدن موزه بعد از قطع کردن پائین از شتالنگ جواز دارد ، ۱۰- پوشیدن لنگ و چادر که به اشیاء خوشبو رنگ شده باشد ، ۱۱- پوشانیدن سر وروی ، ۱۲- شستن سر وروی به خطمی وامثال آن ۱۳- تراش ویا کوتاکردن موی های سر و روی ، ۱۴- قطع کردن ناخونها ۱۵- قطع کردن گیاه حرم .

وقتی که حاجی داخل مسجدالحرام شود وبیت الله شریف را ببیند تکبیر وتهلیل بگوید وبه طرف حجرالاسود برود روبرو به حجرالاسود ایستاده شود وتکبیر (الله اکبر) بگوید ودست ها را مثل تکبیر تحریمهٔ نماز تا نرمی گوش ها

بالا نماید . اگر قدرت بوسه و یا لمس کردن حجر الاسود را بدون ضرر شخص دیگر داشت بوسه و یا لمس کند بعداً از طرف راست کعبهٔ شریف شروع به طواف کند و هفت (۷) دفعه از بیت الله شریف طواف (گردش) نماید در حال طواف چادر آن باید زیر دست راست و بالای شانهٔ چپ انداخته شده باشد .
و در طواف حطیم که نام یک مقام است داخل شود .

در هر گردش که از حجر الاسود میگذرد در صورت قدرت بوسه و یا مس کردن حجر الاسود لازم است و در غیر آن روبروی حجر الاسود تکبیر گفتن با بالا کردن دست ها تا نرمی گوش ها کفایت می کند و بعد از هفت گردش در صورت قدرت در مقام ابراهیم دو رکعت نماز خوانده شود و اگر قدرت نداشت در هر مقام مسجد الحرام که نماز ادا شود درست است این طواف که ذکر شد بنام طواف قدوم یاد میشود و خاص برای مردم اطراف است نه برای مردم اهل مکه .
بعداً به طرف صفا رفته بالا صفا روبروی بیت الله شریف ایستاد شود تکبیر و تهلیل و درود بر رسول الله صلی الله علیه وسلم بگوید و چیزی را که

میخواهد از خداوند جلّ جلاله بخواهد بعد به طرف مروه رفته در بین میلین اخضرین سعیه نماید وقتیکه به مروه رسید بالای مروه مانند عملیکه درصفا انجام داده است عمل نماید. به همین ترتیب هفت گردش را پوره کند که از صفا شروع و به مروه ختم میشود. بعداً تا روز هشتم ذوالحجه درمکه بوده و بعداز ادای نماز صبح روز هشتم به منی میرود تا ادا کردن نماز صبح روز عرفه درمنیٰ میباشد وبعداز ادای نماز صبح به عرفات میرود در عرفات نماز پیشین و دیگر را بعد از زوال به یک اذان و دو اقامت درصورت تحقق جماعت خفیه ادا کنند.

تمام عرفات جای ایستاده شدن است بدون عرنیته. بعد ازغروب آفتاب ازعرفات به مزدلفه برود قریب کوه قزح نماز شام و خفتن را به یک اذان و یک اقامت جهراً ادا کند. تمام مزدلفه جای ایستادن است بدون وادی محسر.

بعدازادای نماز صبح درمزدلفه به طرف منیٰ برود وقتیکه به منیٰ رسید.

جمرهٔ عقبه را به هفت (۷) سنگریزه که از مزدلفه با خود برده بزند و با هر بار زدن تکبیر بگوید بعداً ذبحه کند و بعد از ذبحه موی های سر خود را تراش و یا کوتاه کند با اجرای اعمال فوق از احرام می براید، تمام امورات ممنوعه احرام بدون جماع برایش حلال میگردد.

بعداً به مکهٔ معظمه رفته طواف نماید مثل طواف قدوم این طواف را طواف زیارت نیز میگویند وهمین طواف در حج فرض است.

در طواف قدوم اگر سعیه را نکرده باشد در طواف زیارت سعیه نماید.

بعد از ادا کردن طواف زیارت حرمت جماع هم ازبین میرود. بعداً به منا برود روز دوهم هر سه جمره را به هفت، هفت سنگریزه بزند.

اول جمره اولی که به طرف حرم شریف واقع است بعداً جمرهٔ وسطی و در آخر جمرهٔ عقبه را بزند و با زدن هر دفعه تکبیر (الله اکبر) بگوید.

روز سوم عید بعد از زوال هر سه جمره را به ترتیب سابق بزند.

بعداً اگر شب را در منیٰ گذشتاند برای صبح جمره را به ترتیب ذکر شده

بزنند واگر شب را درمنیٰ نگذشتاند ورفت باکی ندارد .

طواف رُخصت :-

هر وقت که شخص بطرف مسکن (خانه) خود حرکت میکند . باید به بیت الله شریف برود مثل طواف های گذشته ازبیت الله شریف طواف کند این طواف راطواف صدر وهم طواف رخصت میگویند واین طواف واجب است .

طواف رخصت وهم طواف قدوم بالای اهل مکه نیست بلکه بالای مردم اطراف است .

زن مانند مرد تمام اعمال حج رااجرا می نماید لاکن سر خودرا لوچ نمیکند تلبیه راخفیه میخواند درطواف به رفتار آهسته میرود - دربین میلین اخضرین صفا ومروه نمی دود ولباس های دوختگی رامی پوشد .

تمرین

۱ - اقسام حج چند است نام های آنرا ذکر کنید ؟

۲ - نیت حج مفرد را واضح بیان نمائید ؟

۳ - حاجی در کدام وقت محرم شمرده میشود ؟

۴ - الفاظ تلبیه را ذکر کنید .

۵ - طواف چند گردش است وازکجا شروع میشود .

۶ - بکدام روز حاجیان به منیٰ وچه وقت حرکت میکنند

۷ - حاجیان چه وقت وبکدام روز به عرفات حرکت می نمایند

۸ - کدام جای ها درعرفات شامل نیست .

۹ - کدام دو نماز در یک وقت ادا میشود .

۱۰ - جمره ها چند میباشد وهریکی از آنها به چند سنگریزه زده میشود

۱۱ - زن به کدام ترتیب حج را ادا نماید واضح سازید ؟

۱۲ - طواف قدوم وطواف زیارت راکدام اشخاص ادا می نماید ؟

(حج قران)

حج قران حج است که حاجی نیت عُمره و حج رایکجای بسته کند به این ترتیب (اللهم انی ارید الحج والعمرة فیسرهما لی وتقبلهما منی)

ترجمه : ای خدا من ارادهٔ ادای حج و عمره هر دو را کردم هر دو را برایم آسان و قبول کن .

بعداً مانند حاجی مفرد تلبیه میگوید بعداز گفتن تلبیه محرم شناخته میشود . وقتی که به مکهٔ معظمه برسد عمره را ادا میکند و در احرام باقی میباشد تا که روز هشتم (۸) ماه ذوالحجه برسد وقتیکه روز هشتم ذوالحجه رسید اعمال و مناسک حج را مانند حج مفرد ادا میکند . حج قران با حج مفرد همین قدر فرق دارد که در حج مفرد عمره نیست و در حج قران عمره است و حج عمره هر دو به یک نیت بدون حلال کردن در بین حج و عمره ادا میشود .

حج تمتع

حج تمتع عبارت از آن حج است که حاجی از میقات و یا قبل از میقات تنها نیت عمره را بکند به این ترتیب.

اللهم انی ارید العمرة فیسرها لی وتقبلها منی

ترجمه : ای خدایا من اراده اداکردن عمره راکردم پس برایم آسان بگردان واز نزدم قبول کن. بعد از اداکردن عمره خودرا حلال میگرداند تا وقت آمدن روز هشتم ذوالحجه در مکه حلال وآزاد میگردد و به عبادت خالق خود مشغول میباشد روز هشتم ذوالحجه احرام تنها حج را از حرم بسته میکند و مانند حج مفرد مناسک حج را ادا می نماید. فرق در بین حج قران و حج تمتع فقط همین است که در حج قران حج وعمره هردو به یک نیت ادا میشود ودر بین شان حاجی خودرا حلال نمیکند ودر حج تمتع اداکردن عمره به یک نیت واداکردن حج به نیت دیگر میباشد حاجی بعد از اداکردن عمره خودرا حلال میکند تا روز هشتم مثلیکه درفوق ذکر شد.

شکریهٔ حج قران و تمتع

هرکه را الله ﷻ توفیق ادا، کردن حج قران و یا حج تمتع نصیب کند بالایش

شکریهٔ این نعمت کلان لازم است .

شکریهٔ حج قران و حج تمتع حلال کردن یک حیوان و یا هفتم حصهٔ حیوان است

مانند قربانی و اگر کدام شخص قدرت این را نداشت پس ده (۱۰) روز

روزه بگیرد که سه (۳) روز آن در ایام حج و هفت روز آن بعد از ادا،

حج میباشد .

تمرین

۱ـ تعریف حج قران را واضح سازید ؟

۲ـ نیت حج قران را بیان کنید ؟

۳ـ در حج قران بین عمره و حج حلال کردن است و یا نه ؟

٤- تعریف حج تمتع را بیان کنید ؟

٥- نیت حج تمتع را بیان کنید ؟

٦- فرق بین حج تمتع و حج قران چیست واضح سازید ؟

٧- بالای حاجی قران و حاجی تمتع چه لازم می شود ؟

واضح سازید ؟

جنایات حج

جنایت آن عمل را می گویند که شرعاً ممنوع قرار داده شده باشد .

جنایات هفت (۷) نوع است .

۱- تراشیدن و یا قطع کردن موی ها .

۲- قطع کردن ناخن ها .

۳- پوشیدن کالای دوخته شده .

۴- وطی و یا دواعی آن .

۵- خوشبوئی استعمال کردن .

۶- به تیل زیتون و یا مثل آن خود را چرب کردن .

۷- شکار حیوانات خشکه .

بحرالرائق نوع هشتم را هم ذکر کرده که آن ترک نمودن کدام واجب از واجبات حج است.

در وقت ادا کردن حج اگر از کدام شخص جنایت صادر شود برای جبیرهٔ آن بالایش کفاره لازم می شود.

کفاره گاه یک گوسفند و گاه دو گوسفند می باشد اگر از حاجی قارن جنایت صادر شود بالای او دو گوسفند کفاره لازم است که جبیرهٔ جنایت او بگردد.

و در دو جای بدنه لازم می شود.

۱- بعد از استاده شدن بعرفات و قبل از حلق جماع کردن.

۲- درحالت حیض، نفاس و جنایت طواف زیارت کردن.

برای کفارهٔ بعضی جنایات روزه گرفتن کافی می شود و کفارهٔ بعضی جنایات

بصدقه هم صحت می یابد .

صدقه بصورت عمومی از نصف صاع گندم و یا قیمت نصف صاع گندم کم نمی باشد لاکن صدقهٔ کشتن ملخ، شپش و امثال آن از نصف صاع گندم کم ترهم کفایت می کند .

شکاریکه قیمت آن از قیمت گوسفند کم باشد کفارهٔ او به اندازه قیمتش لازم می شود . و دو نفر ماهر در فن و عادل قیمت او را تعیین نمایند .

تمرین

۱ـ تعریف جنایت را واضح بیان نمائید ؟

۲ـ تعداد جنایات حج چند است فقط اندازه تعداد آنرا ذکر کنید ؟

۳ـ جبیرهٔ جنایت حج چه چیز واقع می شود شرح دهید ؟

۴ـ در چند جای بدنه لازم می شود واضح سازید ؟

۵ـ صدقهٔ جنایات حج بصورت عموم چقدر می باشد . واضح دارید؟

عمره

عمره عبارت است از احرام طواف بیت الله شریف، سعی

وحلق یا قصر موهای سر .

احرام برای عمره شرط است و طواف بیت الله رکن عمره میباشد

وما باقی اشیاء ذکر شده ازجملهٔ واجبات عمره است .

عمره در تمام عمر یک مرتبه سنت مؤکد است وبعضی علماء عمره را

واجب می دانند .

احکام احرام عمره مانند احکام حج است پس ازکسیکه در احرام

عمره جنایتی صادر شود که در احرام حج دم را لازم می گرداند در احرام عمره

هم دم را لازم می گرداند .

اما فرق ازین قرار است که حج فرض است و عمره فرض نیست
و برای اداء حج یک وقت معین مقرر گردیده شده است اما عمره
در هر وقت اداء شده می تواند لاکن اداء کردن عمره در روز
عرفه و چهار روز بعد از عرفه مکروه تحریمی می باشد

تمرین

۱- اعمال عمره کدام چیز ها است واضح دارید ؟
۲- رکن عمره چه می باشد واضح نمازید ؟
۳- وقت اداء کردن عمره کدام وقت است واضح سازید؟
۴- اگر از کسی در احرام عمره جنایت صادر شود کفاره بالای
عمره کننده لازم می شود و یا نه واضح سازید ؟

زیارت قبر مبارک حضرت محمد (ص)

حضرت محمد (ص) بنده خدا (ج) در سلسله انبیاء بهترین تمام انبیاء میباشد

کسیکه خود را امتی محمد (ص) می شمارد باید بتمام معنی پیرو او باشد .

کامیابی خود و جامعه را در متابعت و عملی ساختن احکام دین

و شریعت او طلب نماید علاقه و محبت او با محمد (ص) به اندازه باشد که

محبت پدر ، مادر ، زن ، اولاد و مال در مقابل محبت محمد (ص)

حائل و مانع واقع نگردد ، مثلیکه ازین حدیث شریف معلوم میشود

: قال رسول الله (ص) (لا یؤمن احدکم حتی اکون احب

الیه من والده و ولده والناس اجمعین)

ترجمه : رسول الله فرموده است . مومن نمیشود یکی از شما تا که ما

برایش دوستتر نباشیم از پدر ، اولاد و تمام مردم .

برای یک شخص که ملاقات واقعی این چنین دوست میسر نشود بزیارت کردن قبر او هم یکنوع تسلی و اطمینان قلبی حاصل میشود. در زیارت کردن قبر از حرکات شرعی تجاوز نشود.

در بارهٔ زیارت کردن قبر محمد ص بسیار احادیث ذکر شده است بعضی از آنها قرار آتی ذکر می شود:

طحطاوی شرح نورالایضاح که یکی از جملهٔ کتابهای عمدهٔ علم فقه شمرده می شود احادیث را در بارهٔ زیارت قبر مبارک محمد ص ذکر کرده است که مطلب آن ذیلاً تحریر می شود:

۱- حضرت محمد ص فرموده است کسیکه بعد از مرگ من زیارت مرا بکند شفاعت من برایش واجب است.

۲- حضرت محمد ص فرموده کسیکه قدرت داشته باشد و زیارت مرا

نکند با من جفا کرده .

۳- حضرت رسول اکرم فرموده است : کسیکه بعد از مرگ من زیارت مرا بکند مثلیکه در حیات من زیارت مرا کرده باشد .

تمرین

۱- محبت مسلمان با حضرت محمدﷺ به چه اندازه باید باشد ؟

۲- زیارت قبر حضرت محمدﷺ در کدام حرکات صورت یابد ؟

۳- در بارهٔ زیارت کردن قبر حضرت محمدﷺ یک حدیث شریف را بیان کنید ؟

آداب زیارت قبر حضرت محمد (ص)

آداب زیارت قبر حضرت محمد (ص) از کتاب نورالایضاح و شرح آن طحطاوی که هر دو کتابهای عمده علم فقه شمرده می شود قرار ذیل اخذ شده است :

کسیکه قصد زیارت قبر حضرت محمد (ص) را بکند درود بر محمد (ص) بخواند و وقتیکه دیوارهای مدینهٔ منوره برایش ظاهر شود درود وسلام بر محمد (ص) بخواند و بعداً بگوید یاالله (ج) این حرم نبی و جای نزول وحی شما است مرا براستی درین جا داخل کن از روی احسان وکرم خود کامیابی دارین را بشفاعت محمد (ص) برایم نصیب بگردان و داخل مسجد شود دو رکعت نماز را قریب منبر ادا کرده واز خدای خود هرچه که می خواهد بخواهد .

بعداً بقبر مبارک حضرت محمد (ص) برود به اندازه چهار متر دورتر از قبر به

برابری سر روبروی قبر ایستاده شود طبعاً پشت آن طرف قبله می شود و بگوید : السلام علیک یا رسول الله . السلام علیک یا نبی الرحمه ، السلام علیک یا شفیع الامه ، السلام علیک یا خاتم النبیین .

ما شاهدی می دهیم که تو رسول خدا هستی ، امانت خود را بصورت صحیح به انجام رسانیدی . ما از جاهای بسیار دور بقصد زیارت شما آمدیم . خواستار شفاعت شما هستیم که بیرکت شفاعت شما کامیاب شویم پس شفاعت مرا بکن .

بعداً به قبر حضرت ابوبکر صدیق مطابق شرح گذشته استاده شود و بگوید السلام علیک یا خلیفة رسول الله یا صاحبه فی الغار و رفیقه فی الاسفار و امینه علی الاسرار . نَسئل الله سُبحانَهُ اَن یَحشُرَنا مع حزبک .

بعداً مثل بیان گذشته به قبر حضرت عمرؓ ایستاده شود و بگوید!

السلام علیک یا امیر المومنین . یا مظهر الاسلام .

جزاک الله افضل الجزاء لقد نصرت الاسلام والمسلمین

بعداً برای خود ، پدر ، مادر ، دوستان ، اقرباء وتمام مؤمنین

دعا خیر نماید .

تا وقتیکه در مدینه منوره سکونت داشته باشد در عبادت خدا حتی الوسع کوشش نماید واز آثار محمدؐ تبرک را حاصل کند .

تمرین

۱ـ در حالت قصد زیارت قبر محمدؐ چه گفته شود ؟

۲ـ وقتیکه دیوار های مدینه منوره برای زیارت کننده ظاهر شود چه بگوید ؟

۳ - وقتیکه شخصی داخل مسجد نبوی شود کدام عمل را اجراء نماید؟

۴ - شخصیکه به قبر محمدﷺ استاده شود چه بگوید ؟

۵ - به قبر حضرت ابوبکر الصدیق که ایستاده شود چه بگوید ؟

طبع اول

سال طبع سنبله ۱۳٦۷ تعداد طبع (۱۰۰۰۰)

مدیریت نصاب مرکز تعلیمی